پژوهشنامه خراسان بزرگ

شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۸

No.36 Fall 2019

۱-۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۰۵

گونه شناسی مساجد سنتی خراسان (شمالی- رضوی- جنوبی) بر مبنای فضای باز و نیمه‌باز

سیده مهسا موسوی: کارشناسی ارشد معماری اسلامی دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)

مهدی حمزه نژاد: استادیار گروه معماری دانشگاه علم وصنعت (hamzenejad@iust.ac.ir)

چکیده

مسجد پیامبر(ص) الگوی اولیه معماری مساجد، ترکیب ساده‌ای از فضای باز و نیمه‌باز بود که در ایران پیش از همه در مساجد خراسان رایج گشت و تداوم یافت. مساجد خراسان در دو دوره سبک خراسانی و سبک آذری الگوی معماری مساجد ایران بوده‌اند و در هر دو دوره فضای باز و نیمه‌باز نقش اصلی را در الگوی مساجد داشته‌اند. ازآنجاکه تحقق بومی این الگو در منطقه خراسان دارای تنوع قابل‌توجهی است، الگوشناسی دقیق و خلاق این نمونه‌ها برای هر نوع تداوم هویتی از اهمیت بالایی برخوردار است. در این جریان الگوهای معماری مساجد که تحت تأثیر رویدادهای بومی، اقلیمی، فرهنگی و مذهبی هستند، مطالعه می‌شوند. همچنین لازم است روند این تغییر و تحولات مورد بررسی قرار گیرد. برای رسیدن به الگوی مناسب در جهت طراحی مساجد معاصر، شناخت دقیق این الگوهای سنتی و بومی ضروری است. از این‌رو کلیه مساجد ثبت‌شده در میراث فرهنگی در منطقه خراسان بزرگ فارغ از مرزبندی‌های شمالی، جنوبی و رضوی به‌عنوان نمونه‌های مورد مطالعه انتخاب شده‌اند. پژوهش پیش رو به روش تفسیری تاریخی است که هدف آن، گونه‌شناسی مساجد این منطقه بر اساس اجزای فضایی همچون فضای باز و نیمه‌باز و فرم کالبدی-فضایی وابسته به آن است. بر این اساس مساجد بر مبنای دارا بودن و نبودن فضای باز به دو گونه مساجد صحن‌دار و بی‌صحن دسته‌بندی می‌شوند. مساجد صحن‌دار نیز خود به سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از مسجد صحن‌دار با کشیدگی صحن در راستای قبله، مسجد صحن‌دار با کشیدگی صحن عمود برجهت قبله و مساجدی با صحن مربع شکل. همچنین هرکدام از این سه گونه خود به زیرگونه‌هایی تقسیم‌شده و به ترتیب از ساده‌ترین و بنیادی‌ترین الگو تا پیچیده‌ترین آن‌ها، به تفکیک و بر اساس نوع ترکیب اجزای کالبدیشان معرفی می‌شوند و همچنین رابطه هرگونه با گونه‌های ساده‌تر پیش از خود نشان داده خواهد شد.

واژگان کلیدی: مساجد تاریخی خراسان، گونه شناسی مسجد، صحن، ایوان

Abstract

The Holy Prophet's Mosque, which is a simple combination of open and semi-open spaces, is a basic pattern of mosque architecture Which prevailed in the Khorasan mosques. Khorasan mosques were the architectural pattern of mosques in Iran in the two periods of Khorasani and Azeri styles.. In each of these two periods, the open and semi-open spaces play a major role in the mosque patterns. Since the native realization of this pattern in the Khorasan region is significant, the accurate and creative modeling of these samples is important for any type of identity continuity. In this paper, architectural patterns of mosques are studied under the influence of local event, climatic, cultural and religious events. It is also necessary to examine the process of these changes. In order to achieve a suitable pattern for the design of contemporary mosques, the exact recognition of these traditional and indigenous patterns is essential. Therefore, all mosques registered in the cultural heritage in the Great Khorasan region, regardless of the northern, southern and Razavi boundaries, have been selected as samples. The purpose of the present study which has been done based on a historical interpretation method, is to identify the mosques of this region based on spatial components such as open and semi open spaces, and its physical-spatial form related to it. The mosques are divided into two types on the basis of open space, mosques with courtyard and without courtyard. The courtyard mosques are also divided into three categories: the mosque with a stretch of the courtyard in line with the qibla, the mosque with a stretch of the courtyard perpendicular to the direction of the qibla, and a square-shaped courtyard. The courtyard mosques are also divided into sub- categories. They are presented from the simplest and the most basic pattern to the most complex, respectivelybased on the type of composition of their body parts and their relationship to the types with a simpler precedent.

Keywords: Historical Mosques of Khorasan, The typology of the mosque, courtyard, Porch

*این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده مسئول باعنوان «تدوین الگوی طراحی فضاهای باز و نیمه‌باز برای مساجد معاصر» می باشد.

نویسنده مسئول مکاتبات: مهسا موسوی (۰۹۱۵۱۲۵۵۶۳۶) (m.mousavi1370@yahoo.com)

مقدمه

مسجد در زمره مهم‌ترین ابنیه جمعیت مسلمانان و از اولین جایگاه‌های نمود جماعت و یا به تعبیر دقیق‌تر، امت است. باوجود تجربه فراوان در معماری مساجد در جهان اسلام و ایران، به نظر می‌رسد در مقایسه با مسجد آرمانی (مسجدی که غایت مطلوب اسلام است) فاصله قابل‌توجهی وجود دارد (سلمانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۴). از این‌رو به برای رسیدن به الگوی مناسب در جهت طراحی مساجد معاصر، ابتدا نیاز به شناخت الگوهای سنتی و پیشین مساجد می‌باشد. با گسترش اسلام در خراسان در قرون اولیه هجری، مساجد بسیاری در خراسان ساخته شد که امروزه ردپای آن‌ها را تنها در متون تاریخی یا حفاری‌های باستان‌شناسی می‌توان یافت. هجوم‌های مکرر اقوام و طوایف بیابان‌گرد به‌ویژه هجوم مغول‌ها، بسیاری از شاهکارهای معماری خراسان را در پنج قرن اولیه هجری از میان برد و نیز برخی آثار نیز به دلیل عوامل جوی و انسانی در شرف تخریب قرار دارند (حسینی، ۱۳۹۳: ۴۵). موارد فوق نگارندگان را بر آن داشت که به بررسی و الگوشناسی مساجد خراسان، فارغ از مرزبندی‌های رضوی، شمالی و جنوبی بپردازند. با علم به‌ضرورت احیای فضای باز و نیمه‌باز در مساجد، مطالعه تحلیلی و صوری مساجد سنتی خراسان آغاز شد. هدف تحقیق پیش رو، گونه‌شناسی مساجد این منطقه با رویکرد فضای باز و نیمه‌باز است؛ مطالعه‌ای که درنهایت منجر به ایجاد فهم جدیدِ منضبط و ساختارمندی از گونه‌های مختلف مساجد این منطقه می‌شود و به دسته‌بندی مدون و روشن با رویکردی جدید می‌پردازد.

تاکنون در دسته‌بندی‌های مساجد، فضای بسته را به‌عنوان عنصری غربال‌گر انتخاب کرده‌اند. به‌طور مثال نظرات محمد کریم پیرنیا درباره پنج دسته بودن معماری مساجد اولیه‌ایران (اکبری،۱۳۹۰: ۱۱۲-۸۵) و چهار الگویی بودن مسجدهای ایران (پیرنیا،۱۳۸۷: ۲۷۴-۲۶۰) و همچنین از مساجد شبستانی، مساجد گنبدخانه‌ای و مساجد ایوانی به‌عنوان گونه‌های بنیادین هندسی در مساجد ایران نامبرده می‌شود (حجت و ملکی، ۱۳۹۰: ۷) به‌وضوح از نقش محوری بخش‌های مسقف مسجد سخن می‌گویند. اما برای مثال، آن‌چنان‌که در بررسی یکی از مهم‌ترین نمونه‌ها یعنی تطور مسجد جامع اصفهان در طول تاریخ دیده می‌شود؛ در طرح گسترش، با حذف بخش‌هایی از فضای مسقف و شبستان‌ها اقدام به ایجاد فضای نیمه‌باز ایوان‌ها نموده و بدون تعرض در محدوده حیاط سعی در پیشروی در فضای مسقف وجود داشته است، در عوض آنکه حیاط و فضا باز مورد هجمه قرار گیرد (سلمانی، ۱۳۹۴: ۳۵). آن‌گونه که از شواهد برمی‌آید از ابتدا حیاط در مسجد، یکی از بخش‌های اصلی کالبد بوده است، به‌نحوی‌که از نخستین مسجد اسلام تا دوران معاصر فضای باز در مسجد حضوری چشمگیر داشته است. همچنین مسجد پیامبر(ص) بنابر اقوال مشهور محققین مستشرق و علمای اسلام بر مبنای فضای باز محصور شکل می‌گیرد و اضافاتی بر آن به‌عنوان بخش‌هایی برای صرفاً سایه‌اندازی عارض می‌شود (سلمانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۵). درنتیجه سیرۀ عملی پیامبر(ص) -به‌عنوان یکی از منابع جهت استنباط احکام- از فضای باز سخن می‌گوید. در این باب اصرار عامدانه ایشان بر بی‌سقف بودن مسجد (سلمانی،۱۳۹۱ :۱۲۴) را می‌توان مهم‌ترین دلیل بر اثبات اصالت فضای باز در مسجد دانست.

به نظر می‌رسد فضاهای مساجد را، با دیدگاهی کلی می‌توان به سه بخش فضای باز، نیمه‌باز و بسته تقسیم نمود. فضای باز مسجد که معمولاً صحن نامیده می‌شود در اسلام و بازتاب آن در تاریخ معماری مساجد، عنصری غیرقابل‌انکار است. در همنشینی فضای باز و بسته باید گفت نقش صحن چنان چشمگیر است که اگر از میانه برخیزد همه‌چیز فرومی پاشد (نوایی و حاجی قاسمی، ۱۳۹۰: ۲۴). این نوشتار با رویکردی نوین به گونه‌شناسی مساجد سنتی ناحیه خراسان پرداخته است. به‌طورکلی در این گونه‌شناسی، روند تکاملی شکل‌گیری مساجد این ناحیه مورد پرسش است که با روش الگوشناسی شکلی به تحلیل الگو پلانی آن‌ها پرداخته می‌شود و درنهایت گونه‌های مساجد خراسان برمبنای وجود یا عدم وجود فضای باز دسته‌بندی می‌شوند.

روش پژوهش

این تحقیق به مطالعه تحلیلی صوری مساجد منطقه خراسان و گونه شناسی آن‌ها، فارغ از مرزبندی‌های رضوی، شمالی و جنوبی می‌پردازد. در راستای پاسخگویی به پرسش این پژوهش که گونه شناسی مساجد بر مبنای اجزای فضایی باز

و نیمه‌باز در منطقه خراسان است، از روش تفسیری تاریخی استفاده شده است. در گام نخست این پژوهش از منابع کتابخانه‌ای برای گردآوری نمونه‌های موردی بهره برده شده است. به‌این‌ترتیب ۴۵ مسجد ارزشمند ثبت‌شده در میراث فرهنگی را که از نظر زمانی متعلق به قرون اولیه اسلامی تا دوره قاجاراست، مورد مطالعه قرارگرفته شده است. می‌توان گفت که این پژوهش با استفاده از راهبردهای دسته‌بندی و به‌طور خاص، روش گونه‌شناسی در معماری با استناد به مطالعات کتابخانه‌ای، در پی دست یافتن به روند تکاملی شکل‌گیری مساجد منطقه خراسان بزرگ است. پیش از پرداختن به بحث اصلی، برای مشخص کردن منطق گونه-شناسی و روشن‌تر شدن مفاهیم، به‌مرور و بازتعریف برخی واژه‌های مورد استفاده در بحث پرداخته می‌شود. در گام دوم با تعمق بر الگوی پلانی مساجد که از منابع مکتوب جمع‌آوری‌شده‌اند، روند شکل‌گیری تکاملی مساجد بازشناسی می‌شود. بر این اساس ابتدا از شاخص وجود یا عدم وجود فضای باز در مسجد استفاده می‌شود و مساجد به دو دسته مساجد صحن‌دار و بی‌صحن تقسیم می‌شوند. در مرحله بعد از هندسه و تناسبات فضای باز و نیمه‌باز در غربال‌گری مساجد استفاده می‌شود. پس از آن سلول و واحد اولیه هرگونه شناخته می‌شود. درنهایت انواع مختلف الگوهای تکرارشونده در معماری مساجد مکتب خراسان شرح داده می‌شوند و به‌این‌ترتیب سیر تاریخی تکامل مساجد این مکتب روشن می‌گردد.

پیشینه پژوهش

از پژوهش‌های گذشته برای شناسایی گونه‌های مساجد ایرانی می‌توان به *تطور مساجد روستایی در اصفهان* از ماکسیم سیرو و نظرات پیرنیا در کتاب *سبک‌شناسی معمار ایرانی* و همچنین از کتاب *گونه‌شناسی مساجد آذربایجان* نام برد. به‌طور خاص در منطقه خراسان می‌توان از کتاب *مساجد خراسان از آغاز تا دوران معاصر* که مروری است بر تعدادی از مساجد استان‌های خراسان و نیم‌نگاهی به سیمای مسجد به‌مثابه نماد فرهنگ اسلام است نام برد. همچنین به کتاب *مساجد تاریخی خراسان* که به مستند نگاری، معرفی و گردآوری مدارک مساجد تاریخی خراسان پرداخته است اشاره کرد. در حوزه مقاله‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: *هم‌گرایی سه گونه بنیادین هندسی و پیدایش هندسه مساجد ایرانی* که در آن مساجد در سه‌گونه هندسی مسجد شبستانی، مسجد گنبد خانه‌ای و مسجد ایوانی پدیدار و پایدار مانده‌اند به‌طوری‌که هر الگو دربردارنده نیکویی‌ها و کاستی‌هایی برای مسجد بوده است. اثر پژوهشی دیگر *الگویابی معماری مساجد هند* است که با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی ویژگی‌های معماری در مساجد هندی پرداخته است و نشان می‌دهد مساجد هند با ترکیب ویژگی‌های کهن معماری بومی خود و مساجد اولیه اسلامی و ایرانی، به الگویی ترکیبی و جدید در معماری مساجد با ویژگی‌های منحصر به خود دست یافته است. مقاله دیگر *تحلیلی بر سیر تحول مفاهیم و الگوی کالبدی مساجد در دوره‌های چهارگانه معماری ایرانی* است که با بهره‌گیری از مفاهیم پایه عرفان اسلامی از قبیل تشبیه، تنزیه، جمال و جلال به گونه شناسی مفهومی مساجد پرداخته و با بررسی این مفاهیم و تبیین آن‌ها در سبک‌های مختلف معماری ایرانی-اسلامی (خراسانی، رازی، آذری و اصفهانی) به ارزش‌گذاری محتوایی و کالبدی دوره‌های تاریخی دست می‌یابد و به‌این‌ترتیب راهی برای بهره‌گیری صحیح از الگوهای تاریخی برای مساجد معاصر معرفی می‌کند. درنهایت مقاله *گونه‌شناسی تحلیلی مساجد تاریخی حوزه فرهنگی کردستان ایران* می‌باشد که به گونه‌شناسی شکلی مناطق کردستان ایران پرداخته است و نشان می‌دهد این منطقه دارای گونه-شناسی متفاوتی نسبت به مناطق مرکزی ایران می‌باشد. هرکدام از پژوهش‌های پیشین با رویکردی خاص همچون بوم، فرهنگ، کالبد و غیره به گونه‌شناسی مسجد پرداخته‌اند. با این حال، پژوهش پیش رو تلاش دارد الگوی برخورد با فضای باز و نیمه‌باز در مساجد سنتی منطقه خراسان را شناسایی نماید.

مبانی و معیارهای پژوهش

گونه و گونه‌شناسی: واژه تیپولوژی[1] یا گونه‌شناسی در فرهنگ غربی از ریشه کلمه تایپ[2] گرفته شده است و در زبان فارسی

1. Typology

2. Type

واژه گونه یا تایپ را می‌توان به گروه خاصی با یک ویژگی یا علامت مشخص نسبت داد. شناخت و کاربرد فراوان گونه شناسی در شاخه‌های مختلف علوم از دیرباز تاکنون، بیانگر اهمیت به سزای آن است. به‌طوری‌که در نوشته‌های قدیمی از حدود دو هزار سال پیش به این‌طرف در آثار نویسندگان معمار و دیگر دانشمندان دیده می‌شود. ویترویوس در اثر مشهور خود تحت عنوان ده کتاب معماری، گونه‌های مختلف بناهای یونانی را بررسی کرده است برای نمونه خانه‌های یونانی را به دسته‌های حیاط دار و بدون حیاط و یا برحسب محل قرارگیری در شهر یا روستا دسته‌بندی کرده است (معماریان، ۱۳۸۴:۱۹۶-۱۹۴). نظریه‌پردازان متعددی به مفهوم گونه و گونه شناسی پرداخته‌اند. لاژی[1] در قرن هجدهم میلادی با توجه به ریشه‌های معماری سرپناه‌های ساده را مورد مطالعه قرار می‌دهد. دوران در قرن نوزدهم میلادی از گونه شناسی شکلی برای دسته‌بندی بناهای مختلف استفاده می‌کند. بهره‌گیری از گونه‌شناسی در شناخت معماری تا اوایل قرن بیستم به‌طورجدی ادامه داشت (همان: ۱۹۷). در قرن بیستم نیز نظریه‌پردازانی چون آلدو روسی به گونه‌شناسی معماری پرداختند به عقیده وی در ابتدایی‌ترین لایه‌های گونه شناسی، تلاش بر شناخت، دسته‌بندی و طبقه‌بندی موضوعات مورد مطالعه است که برحسب ویژگی‌های مشترک که معمولاً معطوف به ویژگی‌های شکلی اثر است، انجام می‌شود. گونه شناسی در واقع تلاشی برای دسته‌بندی کردن و نظم دادن به گستره‌هایی از اشکال و اجزای طراحی‌شده‌ی مشابه اما متغیر است (خادم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۱). معمار به‌وسیله مفهوم گونه و عمل بر اساس آن پیوند بین حال و گذشته را به وجود آورده است و این پیوند به زنجیری از حلقه‌های به‌هم‌پیوسته که در طول تاریخ تکامل‌یافته تبدیل شده است. آنچه در زمان حال ساخته می‌شود یک حلقه از آن زنجیر است. برای عمل صحیح و مناسب در زمان حال باید حلقه‌های دیگر زنجیر را خواند نقطه آغازین این زنجیر «گونه پایه» نام دارد (معماریان، ۱۳۹۴: ۱۹۰). ویژگی‌های گونه‌شناسانه یعنی مبنایی که گونه شناسی بر اساس آن انجام می‌گیرد، می‌تواند بسیار مختلف و متنوع باشد. شناسایی و توصیف (دیاگرامی کردن) کیفیات و ویژگی‌های خاص به محقق این امکان را می‌دهد تا در مقیاس‌های مختلف الگوهایی از وابستگی سلسله‌مراتبی را تعریف کند که بر عناصر و اجزای طراحی‌شده معطوف‌اند (Demin & Swafeld 2011: 133). می‌توان نتیجه گرفت که اولاً در گونه شناسی نوعی سلسله‌مراتب که می‌تواند مبتنی بر تقدم نه لزوماً تقدم تاریخی باشد وجود دارد، دوم آنکه گونه شناسی می‌تواند از جنبه‌های مختلفی انجام گیرد، سوم آنکه میزانی از ارتباط و تشابه در عین نیاز به تفاوت برای انجام گونه شناسی لازم است و چهارم آنکه توصیف ساده‌شده (دیاگرامی) از موضوعات موردمطالعه می‌تواند شیوه‌های بسیار کارآمد گونه برای انجام شناسی محسوب شود (خادم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۱). در این تحقیق، از موارد فوق برای انجام گونه شناسی مساجد خراسان استفاده خواهد شد.

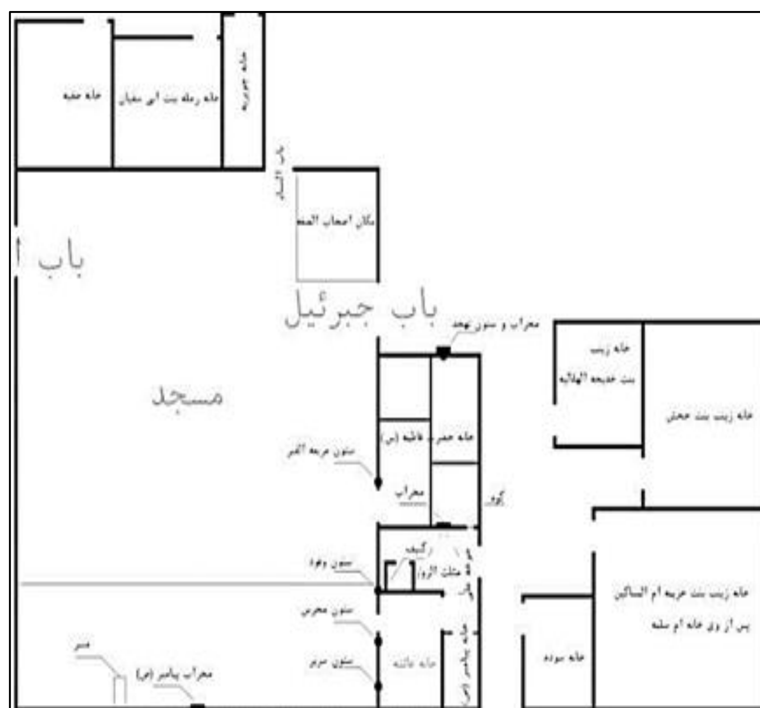
سرآغاز مسجد و جایگاه فضاهای باز و نیمه‌باز در آن

از دیدگاه کالبدی، اولین مسجد که برپا شد، مسجد پیامبر(ص) بود. از منظر واژه‌شناسی، ریشه کلمه مسجد، از واژه مزگت که از زبان باستانی به آرامی به زبان‌های عربی و پارسی وارد شد. این واژه در عربی تبدیل به واژه مسجد شد و ریشه سجد از آن استخراج و صرف گردید (قیومی بیدهندی، ۱۳۹۰: ۹۳). دین ما اسلام جایگاهی به نام مسجد در پهنه زمین گسترده است چراکه تنها دینی است که هرجایی از زمین را نیایشگاه خداوند می‌داند هرجایی که بتوان بر آن نماز خواند همانجا مسجد است (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۲۵) مسجد رسول گرامی اسلام آیینه تمام نمای آیین اسلام بود، سادگی، برابری، برادری و نفی هرگونه تشخص و تفاخر از ویژگی‌های بارز این مسجد است؛

آن‌چنان‌که هیچ کنجی از مسجد بر کنجی دیگر و هیچ نمازگزاری را بر نمازگزاری دیگر برتری و سروری نبود. این روش به خاطر محدودیت ونبود امکانات اتخاذ نشد بلکه روشی بود که پیامبر(ص) خود برگزیدند. ویژگی‌های کالبدی این مسجد را می‌توان چنین برشمرد: یک چهاردیواری بود که هیچ‌گونه سقفی نداشت به‌گونه‌ای که فضای باز محصور

1. Laujer

تمامی سطح مسجد را شامل می‌شد. ساخت و تغییرات مسجدالنبی مطابق روایت منقول از امام صادق(ع) تأکیدی بر فضای باز را نشان می‌دهد تا آنجا که با سپری شدن ایام و به اصرار یاران (مسأله اقلیم) پیامبر(ص) اجازه ساخت سایه‌اندازی در بخشی از مسجد (فضای باز) را می‌دهند. به‌بیان‌دیگر، حتی با شرایط دشوار اقلیم نیز اصالت با حفظ فضای باز بود (نقره‌کار و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۰). لازم است توجه شود بنابراین اقوال تاریخی مسجد پیامبر(ص) دارای هیچ‌گونه فضای بسته‌ای نبوده است.



تصویر شماره ۱: بازنگری پلان مسجد پیامبر(ص) و خانه حضرت فاطمه و همسران پیامبر در اواخر حیات ایشان بر اساس روایات و اسناد معتبر تاریخی. هندسه مسجد پیامبر شامل فضای باز یا حیاط و فضای نیمه‌باز یا شبستان. سایبان اهل صفه در شمال و خانه‌های همسران پیامبر(ص) در شرق و شمال مسجد جای داشت. شبستان در جبهه قبله (حمزه نژاد و همکاران،۱۳۸۹).

صحن مسجد

صحن یا حیاط یکی از خصوصیات اساسی نقشهٔ مسجد، مدرسه و کاروان‌سرا است. صحن مرکز اصلی ارتباطات اجزا در کل مجموعه است. طهوری به نقل از استیرلن می‌نویسد: «به نظر می‌رسد که حیاط قلب و عمق بنا و سرچشمه آن است؛ گویی کل بنا از این منطقه مرکزی سامان یافته است» (همان: ۱۵۸). حیاط دریچه‌ای به جهان ملکوتی یا عالم آرمانی هر مؤمن، پهنه گشوده‌ای در زیر سقف ملکوتی آسمان است (طهوری، ۱۳۹۱: ۱۵۸). یکی از مهم‌ترین دلایل حضور فضای باز در مسجد عبادت در آن است یا به‌عبارتی‌دیگر حیات حیاط، دلیلی بر بقای آن بوده است. احتمالاً نماز گزاردن در فضای باز یا به‌طورکلی عبادت در فضای باز امری بدیهی می‌نموده است چنان‌که به‌سختی بتوان در متون تاریخی موارد قابل‌ذکری یافت (سلمانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۷). باید اشاره نمود در میان مساجد، مساجدی بدون حیاط نیز وجود دارند. در این خصوص مرحوم پیرنیا حیاط را میانسرای سرگشاده‌ای می‌پندارد که نقشی جهت درونگرا بودن فضا دارد و درنتیجه با این دیدگاه سه دسته مسجد فاقد حیاط را نام می‌برد: مساجدی که پیرامون آن‌ها را باغ و چمن گرفته و با بارویی با کوچه و گذر از دیگر ساختمان‌ها جدا می‌شود (مسجد کبود تبریز و غیره) و یا در کنار آن میدان یا فضای باز شهری است که آن را از داشتن میانسرا بی‌نیاز می‌کند (مسجد شیخ لطف‌الله) و چند مسجد انگشت‌شمار هم هست (ویژه کوی‌های کوچ) که جز برف‌انداز سرگشاده‌ای در میان یا کنار خود ندارد (مسجد

ملاعبدالخالق یزد) در این‌گونه مسجدها بام جای سرگشاده را می‌گیرد (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۴۸).

شبستان

شبستان یکی از اجزای معماری مسجد است که در ایران سابقه ایی کهن دارد. شبستان در دوره اسلامی به‌صورت یکی از عناصر اصلی معماری مسجد درآمد که نشان آن را می‌توان در متون وآثارمعماری دید (حسینی، ۱۳۹۳: ۳۰). شبستان‌ها فضاهای سرپوشیده و دارای ستون‌های یک‌شکل و موازی‌اند که ازیک‌طرف به صحن مسجد راه دارند (دهخدا،۱۳۷۷: ۱۲۰). همواره راستای محراب در شبستان به‌گونه‌ای متمایز می‌شد، یا فاصله ستون‌ها بیشتر یا در برابر محراب گنبدی برپا می‌شده است، بنابراین گاه در میان شبستان، گنبدخانه ایی وجود داشته که محراب و منبر و مقصوره در آن جای می‌گرفته است (زرگر، ۱۳۸٦: ۴۸).

ایوان

ایوان فضایی است سرپوشیده و نیمه محصور که حداقل از یک جبهه با فضای باز مرتبط است. این فضا به چند صورت طراحی و ساخته می‌شده که دو نوع آن بسیار معمول بوده است. نخست به شکل فضایی مسقف با پوششی از طاق منحنی شکل (طاق آهنگ یا گهواره‌ای) که دیوارهایی از سه طرف، آن را در برمی‌گرفتند و ازیک‌طرف فاقد دیوار و به فضای باز متصل بوده است. نوع دوم به‌صورت فضایی سرپوشیده و ستون‌دار و با سقفی مسطح طراحی و ساخته شده است (سلطان‌زاده، ۱۳۷۷: ۲۵) نوع دیگری نیز مشاهده می‌شود که ایوان با سقف گنبدی شکل است مانند ایوان قبله مسجد گوهرشاد. نوع اول را فراوان می‌توان در مساجد خراسان مشاهده کرد. اما نوع دوم را فقط در مسجد رباط زیارت و ازغد می‌توان یافت. ایوان در بسیاری از بناها نشان‌دهنده محور تقارن بنا است. در مساجد چهار ایوانی به‌ویژه از روزگار تیموری به بعد برای تأکید بر ایوان ورودی یا ایوان قبله، این ایوان‌ها را از دیگر ایوان‌های بنا بلندتر می‌گرفتند و دو مناره در دو طرف آن قرار می‌دادند، مانند مسجد گوهرشاد. در برخی بناها به‌ویژه آرامگاه‌ها و مساجد، ایوان بیشترین تأثیر را بر بیننده دارد مانند مسجد ابوبکر تایبادی و مجموعه شیخ احمد جام که ایوان رفیع و غیرمعمول آن بارزترین مشخصه هر دو بنا است (حسینی،۱۳۹۳: ۲۵). ایوان‌ها از نظر کارکردی به دو گروه تقسیم می‌شوند: نخست ایوان‌هایی که به‌عنوان یک فضای اصلی به کار می‌رفته‌اند و دارای مساحتی مانند فضای بسته مجاور خود هستند. برای مثال مساجد یک ایوانی و دو ایوانی همچون مسجد جامع قاین، مسجد جامع فریومد که از ایوان به‌عنوان فضایی برای نماز در تابستان استفاده می‌شده است. در این نوع می‌شود ایوان و گنبدخانه در یک محور قرار بگیرند و یا معمار هنگام ساخت با جابه‌جا کردن جایگاه گنبد و خارج کردن آن از محور می‌خواسته است گنبد و ایوان در یک‌زمان دیده شوند (ورجاوند، ۱۳۴۸: ۲۳). دوم ایوان‌هایی که نقش یک فضای رابط را بر عهده داشتند و در جلوی یک فضای محصور، مانند گنبدخانه، حجره و شبستان قرار می‌گرفتند. این ایوان‌ها نیز به دو گروه تقسیم می‌شوند: نخست ایوان‌هایی که بین حیاط و یک فضای محصور رابط بودند. پس می‌توان گفت که ایوان عامل ارتباط میان دو بخش یک فضای معماری است. یا عامل ارتباط بین یک فضای شهری و یک فضای معماری است (سلطان‌زاده، ۱۴۵:۱۳۷۷) برخی از ایوان‌های رابط داری محراب نیز بوده‌اند مانند مسجد رباط زیارت که در فصل تابستان مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

جدول ۱: گونه‌شناسی ایوان در مساجد خراسان (مأخذ: نگارندگان)

انواع گونه شناسی ایوان	زیر گونه ایوان در مساجد خراسان			
گونه بندی شکلی	ایوان مسجد ازغد	ایوان مسجد جامع سرایان		ایوان مسجد جامع گوهرشاد
	فضا یی سرپوشیده وستون داربا سقفی مسطح	فضایی مسقف با پوشش از طاق منحنی شکل		فضایی مسقف با پوشش گنبدی
گونه بندی کارکردی	مسجد هندولان	مسجد جامع سبزوار		مسجد جامع قاین
	فضای فرعی و رابط (واسط بین دو فضا ی معماری)	فضای فرعی و رابط (واسط بین دو فضای معماری)		فضای اصلی
گونه بندی جانمایی ایوان با گنبدخانه	مسجد رشتخوار	مسجد جامع افین	مسجد مزار ابوبکر تایبادی	ایوان مسجد جامع گوهرشاد
	قرار گیری ایوان اصلی وگنبدخانه در دو محور	قرار گیری ایوان اصلی وگنبدخانه در یک محور	قرار گیری ایوان فرعی وگنبدخانه در یک محور	تلفیق ایوان وگنبدخانه به صورتی یک کل واحد را تشکیل می دهند
گنبد خانه — ایوان				
ماخذ پلان : (حسینی۱۳۹۳)				

گنبدخانه

یکی از شاخص‌ترین عناصر معماری ایرانی و معماری جهان اسلام گنبد است. گنبد فضای کروی یا منحنی شکل است که در ایران به‌ویژه از روزگار سلجوقی به بعد به دلایل حجمی و بصری خود جای ویژه‌ای در معماری یافت و به‌صورت نماد بناهای مذهبی درآمد. بر این اساس بسیاری از عوامل اصلی مسجد، مانند محراب و منبر در زیر گنبدخانه شکل گرفت (سلطان‌زاده،۱۳۷۷: ۱۴۴). هیلن براند با توجه به اینکه محراب قسمتی از بخش درونی بنا است و از بیرون موقعیت آن مشخص نیست، گنبد را به‌عنوان نشانه خارجی آن می‌داند. پیدایش گنبد در مساجد، تکاملی است تا محوطه محراب را مورد توجه قرار دهد.

گونه‌شناسی در مساجد خراسان

با نگاهی اجمالی به مسجد در طول تاریخ اسلام آشکارا حیاط، به‌عنوان بعد جدانشدنی مسجد و میراثی پایدار یافت می‌شود. در تمامی ادوار معماری پس از اسلام و اقلیم‌های متنوع، چه در ایران و چه در سایر نقاط جهان، از چین تا شمال آفریقا و حتی اروپا، با توجه به گستره وسیع قلمرو حکومت اسلامی، عموماً حیاط (فضای باز) در مساجد دیده می‌شود. یکی از مهم‌ترین دلایل حضور فضای باز در مسجد عبادت در آن است یا به‌عبارتی‌دیگر حیات حیاط، دلیلی بر بقای آن بوده است (سلمانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۷). به‌این‌ترتیب در این نوشتار برخلاف سایر مطالعات که مبنای گونه شناسی خود را، فضای بسته قرار داده‌اند، با نگاهی نو، مساجد را برحسب دارا بودن یا نبودن فضای باز به دو دسته مساجد دارای صحن و مساجد بی‌صحن تقسیم می‌کند.

مساجد بدون صحن

حدوداً ۱۵ درصد مساجد سنتی خراسان مساجد بدون صحن‌اند. مهم‌ترین اندام‌های این مساجد به ترتیب شبستان، ایوان و گنبدخانه، است که با ترکیب‌بندی مختلفشان گونه‌های مساجد بدون صحن را شکل داده‌اند. چرایی استفاده از این عناصر به ضمیر ناخودآگاه معماران ایرانی بازمی‌گردد که از الگوی پیشینیان در هندسه مسجد بهره جستند. برای نمونه اثر چهار تاقی بر ذهن و عمل ایرانیان، شبستان مساجد را پدید آورد که حاصل تکرار ساده آن طرح واحد در زمینه کثیر بود چنین است که ته رنگ شبستان چهار تاقی و ایوان در مساجد نخستین فراوان است (حجت و ملکی، ۱۳۹۰: ۹).

جدول ۲: نمونه پلان مساجد بدون صحن (مأخذ: نگارندگان)

	نمونه مساجد بدون صحن			
پلان				
نام مسجد	مصلای طرق	مسجد جامع ازغد	مسجد هندولان	مسجد شاه (هفتاد دوتن)
ماخذ پلان : (حسینی۱۳۹۳)				

بنیادی‌ترین اندام مسجد در اکثر نمونه‌های بدون صحن شبستان ستون‌دار است. به عبارتی، عنصر اولیه‌ای که مساجد بدون صحن این منطقه را تعریف می‌کند و نماز در آنجا بر پا می‌شود، شبستان ستون‌دار است. که عموماً با طاق، قوس، گنبد، تکنیک‌های طاق زنی و مصالح آجری شکل گرفته است. با اتصال ایوانی که فضایی رابط و درآیگاه به شبستان است، سلول اولیه این گونه شکل می‌گیرد. در این منطقه به دلیل شرایط خاص اقلیمی فضای نیمه‌باز رایج است. «زیرا این فضا امکان برقراری جریان هوا را هم‌زمان با محافظت از تابش آفتاب فراهم می‌آورد فضای نیمه‌باز در این

منطقه از دیدگاه کارکردی به دو صورت مستقل و پیش فضا هستند» (طاهباز و جلیلیان، ۱۳۸۷: ۵۳). که اکثراً در مساجد بدون صحن به‌صورت پیش فضا، فضای واسط شهری و معماری است. در این زیرگونه خاص ایوان به‌صورت پیش فضایی ستون‌دار با سقفی تخت، ورودی را تعریف می‌کند. از دیدگاه کارکردی نقش واسط بین فضای شهری و فضای معماری را داراست و از نظر اقلیمی نقش سایبان. مسجد رباط زیارت که در این زیرگونه قرار دارد درایوان خود محراب کوچکی دارد. این امر نشان‌دهنده استفاده از ایوان برای اقامه نماز در فصول گرم سال است. گونه بعدی تک ایوانی است به انضمام دو اتاقک کوچک مرتبط با آن. در این گونه ایوان از نظر کارکردی فضای اصلی عبادت است. در گونه ی بعد، گنبدخانه عنصر اصلی و بنیادی مسجد است که با ایوان و حجره‌هایی مسجد را شکل می‌دهند. در این‌گونه ابعاد و تناسبات ایوان نسبت به‌کل مسجد مقدار کمی است. از این‌رو با زیرگونه پیشین و یا ایوان‌های اکثر مساجد صحن دار که معمولاً عمیق‌اند و ابعاد و تناسباتی مانند فضاهای بسته مجاور خود دارند متفاوت است. گونه نهایی ترکیب دو گونه پیشین است، دارای شبستان ایوان دار و گنبد خانه به انضمام رواق و حجره‌هایی پیرامون ایوان است. به‌این‌ترتیب مساجد بدون صحن تکامل یافتند. به‌طور کل مساجد بدون صحن برون‌گرا هستند عموماً ایوان ورودی آن‌ها به‌صورت پیش فضایی است که فضای شهری را به فضای معماری مرتبط می‌سازد. ارتباط ایوان به گنبدخانه در این گونه می‌تواند به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم (به‌واسطه شبستان) باشد و همچنین ارتباط شبستان با گنبد خانه نیز می‌تواند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم (توسط مفصلی همچون راهرو) باشد. از دیگر ویژگی‌های مساجد بدون صحن تقسیمات سه‌قسمتی شبستان به‌واسطه قرارگیری گنبدخانه یا ایوان در میان شبستان است.

جدول ۲: گونه‌شناسی مساجد بدون صحن (مأخذ: نگارندگان)

دیاگرام مساجد بدون صحن خراسان از گونه ساده تا تکامل یافته	
سلول ها	**اجزای تشکیل دهنده سلول ها و ویژگی های آن**
	شبستان ستوندار،ایوان با سقف مسطح وستون دار.ایوان واسط بین فضای معماری وشهری است . نمونه موردی : مسجد رباط زیارت.
	ایوان فضای اصلی (محل برگزاری نماز) است. ایوان از دوطرف با دو اتاق مرتبط است. نمونه موردی : مسجد پایین خیابان
	گنبدخانه ،ایوان و یا درایگاه متصل به آن .پوشش ایوان طاقی شکل و در دوسمت آن حجره قرار دارد. نمونه موردی: مسجد جامع خواف، مصلای طرق، مصلای سبزوار
	گنبد خانه وشبستان ستوندار به انضمام ایوان یا درایگاه .ایوان واسط بین فضای معماری وشهری . رواق های در دوسمت ایوان و گنبدخانه در وسط دو حجره
	گنبد خانه ، شبستان ها در دوسمت گنبدخانه ،ایوان یا درایگاه واسط بین فضای معماری وفضای باز شهری. است.رواق ها پیرامون ایوان ،قرار گیری گنبدخانه در وسط دو شبستان
	محصوریت گنبدخانه از سه طرف با شبستان و ایوان .گنبد خانه و شبستان پیرامون آن به انضمام ایوان یا درایگاه که متصل به گنبدخانه و واسط فضای معماری و فضای شهری است. گنبدخانه با دهلیز با شبستان در ارتباط است. مسجد شاه (هفتاد دوتن)
راهنما:	گنبد خانه – شبستان – ایوان – رواق – دهلیز

پژوهشنامه خراسان بزرگ
پاییز ۱۳۹۸ شماره ۳۶

با تأمل در تاریخ معماری مسجد مشاهده می‌شود که مسجد پیامبر(ص) به‌عنوان الگو عملی سرمشقی برای سایر مساجد بوده است. نگاه ویژه به فضای باز و اهمیت و اصالت این فضا در شیوه عملی ایشان کاملاً مشهود است. چراکه از ابتدا مسجد خود را بدون توجه به اقلیم بیابانی منطقه عربستان ساخته‌اند؛ درصورتی‌که امکان انطباق اقلیمی وجود داشته است (سلمانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۹). با تعمق در اسناد و مدارک مشاهده می‌شود که بیش از ۸۵ درصد مساجد سنتی خراسان دارای صحن و حیاط هستند. رنه دالمانی در سفرنامه خود از خراسان تا بختیاری از اقامه نماز در حیاط مساجد این ناحیه، سخن می‌گوید (رنه دالمانی، ۱۳۳۵: ۱/۱۸۳).

جدول ۴: بررسی شکلی فضای باز در نقشه برخی از مساجد خراسان (مأخذ: نگارندگان)

بررسی شکلی فضای بازونیمه باز مساجد خراسان در پهنه زمانی(قرن پنجم تا قاجار) –پهنه مکانی (خراسان بزرگ)					
پلان					
تناسبات	صحن	۱-۱,۲	۱-۱,۲	۱-۱	۱-۱,۱
	ایوان	-	۱-۱,۴	۱-۱	۱-۱,۲-۱،۱,۴-۱,۹-۱,۳ ۱-۰,۹-۱,۷
درصد نسبی فضاها	صحن	۲۳	۴۰	۳۷	۲۸
	ایوان	-	۲۰	۴	۱۳
	گنبدخانه	-	۵	٦	۴
	شبستان	٦٦	۳۵	۴۹	۵۳
		مسجد جامع تابران توس	مسجد جامع افین	مسجد جامع طبس	مسجد جامع سبزوار
پلان					
تناسبات	صحن	۱-۱,۱	۱-۱,۴	۱-۱,۳	۱-۱,۲
	ایوان	۱-۱,۷- ۱,۴	۱-۱,۲-۱،۱,۲-۱,۲-۱,۲	۱-۰,۴-۱,۴ ، ۱-۱,۲-۱,۴	۱-۱,۳-۱،۱,۳-۲-۱,۴
درصد نسبی فضاها	صحن	۴۵	۲۲	۲۱	۳۸
	ایوان	۱۵	۱۵	۸	۱۰
	گنبدخانه	-	-	۴	-
	شبستان	۲٦	۵۸	٦۷	۴۳
نام مسجد		مسجد جامع قاین	مسجد کبود گنبد کلات نادری	مسجد جامع سبزوار	مسجد جامع گناباد

پلان					
تناسبات	صحن	۱-۱	۱-۱,۳	۱-۱	۱-۱,۳
	ابوان	۱-۱،۱,۷-۱,۹	۱-۱,٦-۱,۴	۱-۱,۴	۱-۱,۲- ۱,۴
درصد نسبی فضاها	صحن	۲۹	۳۷	۴۰	۲۱
	ایوان	۱۱	٦	۱۸	٦
	گنبدخانه	-	-	۲۷	-
	شبستان	۵۵	۵۳	۱۵	٦۷
نام مسجد		مسجد جامع بجستان	مسجد جامع نیشابور	مسجد مرندیز	مسجد جامع سنگان
راهنما : فضای باز					ماخذ پلان ها:(حسینی ۱۳۹۲)
نتیجه گیری	تناسبات شکلی فضای نیمه باز		b a	b a	b a
			a>b	a=b	a<b
	تناسبات شکلی فضای باز				
			a>b	a=b	a<b

در بررسی پلان‌های مساجد صحن دار می‌توان ایوان‌ها را از حیث تناسبات نیز دسته‌بندی کرد. ایوانی که عرض آن بیشتر از عمق آن است و در نقش ایوان رابط است. الگوی بعدی عرض و عمق ایوان برابر است در این گونه می‌توان ایوان را به دو صورت فضای اصلی و رابط مشاهده کرد. در الگوی سوم عمق ایوان بیشتر از عرض آن است که گاهی به دو برابر عرض و یا بیشتر نیز می‌رسد. در این الگو همواره ایوان در نقش فضای اصلی است که ممکن است با گنبدخانه در مجاورت خود ارتباط مستقیم داشته باشد. با مشاهده پلان‌ها به‌وضوح فضای باز، در تمامی این مساجد به‌عنوان نقطه مشترک، با تناسبات مختلف وجود دارد. شکل و تناسبات فضای باز (صحن) مسجد عامل مهمی در ایجاد عظمت و شکوه این مکان مقدس است. که می‌توان آن‌ها را به سه الگو شکلی تقسیم کرد (الگو صحن مستطیل شکل با کشیدگی در راستای قبله، الگو صحن مستطیل شکل عمود بر راستای قبله و الگو صحن مربع شکل). همچنین می‌توان با بررسی این مساجد به چهار الگوی ارتباطی بین توده وفا رسید و از چپ به راست (جدول شماره ۵) رشدی تاریخی نیز در محصوریت فضا مشاهده می‌شود.

جدول ۵: الگوی تاریخی ارتباط فضای باز و بسته در مساجد خراسان (مأخذ: نگارندگان)

مسجد با فضای باز محاط	مسجد با سه جبهه بسته	مسجد با دو جبهه بسته	مسجد با یک جبهه بسته
راهنما	فضای بسته	فضای باز	

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، فضای باز کمابیش در تمامی این مساجد به‌عنوان نقطه ی مشترک، با تناسبات مختلف وجود دارد. به‌نحوی‌که می‌توان از آن به‌عنوان فضایی غیرقابل‌اجتناب در کالبد غالب مساجد یاد کرد. حدوداً بین ۲۰ تا ۶۳ درصد مساحت مساجد مورد مطالعه به حیاط اختصاص داده شده است که نسبت طول به عرض آن‌ها نیز بین ۱ تا ۱٫۷ می‌باشد. همان‌طور که در پلان‌ها مشاهده شد، تناسبات صحن در مساجد خراسان سه گونه است (مستطیل شکل با کشیدگی در راستای قبله مستطیل شکل و عمود بر راستای قبله و مربع شکل).

الگوشناسی مساجد مبتنی بر هندسه حیاط مساجدی با صحن مستطیل شکل با کشیدگی در راستای قبله

فضا در صحن این گونه مساجد به نحوی ایجاد شده که باعث جامعیت و وحدت اجزا شده است. همسو شدن با راستای قبله منجر به جهت دادن فضا و قطبی کردن آن می‌گردد و درعین‌حال با تأکید بر درون به خودشناسی نیز توجه دارد. در این گونه، فضای چهارگوش صحن همان‌طور که بر سکون و مرکزیت تأکید دارد، به‌سوی قبله گسترش پیدا می‌کند. سلول اولیه این گونه الگویی است که بیشترین توده را در عرصه، به‌صورت شبستانی نیمه‌باز در سمت قبله دارد و صحن آن توسط رواق و حجره‌هایی محصور شده است. در سلول یا زیرگونه بعدی ایوان به‌عنوان فضایی اصلی (فضایی محراب‌دار) ضلع جنوبی صحن را پوشش می‌دهد و همچنین ضلع دیگر صحن را شبستانی به‌صورت فضای بسته پوشش داده است. در زیرگونه ی بعد گنبدخانه به‌جای ایوان در جبهه قبله قرار می‌گیرد. زیرگونه بعدی را تلفیق دو سلول اول و دوم تشکیل می‌دهد به‌طوری‌که ایوان در شبستان قبله قرار گرفته و عرصه شبستان را به سه قسمت تقسیم می‌کند. تقسیم سه‌قسمتی جبهه قبله توسط ایوان یا گنبد خانه در زیرگونه‌های بعدی نیز مشهود است. الگوی بعدی در واقع سلول چهارم است به انضمام گنبدخانه ایی در راستای ایوان که با یکدیگر مرتبط هستند. در سلول بعدی، ایوان و شبستانی رو به روی ایوان و شبستان قبله قرار می‌گیرد. در این زیرگونه ایوان‌ها معمولاً تناسبات مشابه ایی ندارند و ایوان قبله عمیق‌تر و رفیع‌تر است. در زیرگونه بعد شاهد الگویی هستیم که به الگوی مساجد خراسان شهرت یافته است. «الگویی که دارای دو ایوان در جبهه قبله و ضلع روبروی آن است و در آن ایوان‌ها با شبستان و رواق‌هایی به یکدیگر مرتبط و متصل می‌شوند. برای تأکید برجهت قبله، گنبد خانه‌ای در جلوی ایوان قبله و هم‌محور با آن قرار می‌گیرد» (لباف خانیکی و صابر مقدم، ۱۳۸۵: ۵۸). در این زیرگونه ایوان قبله نقشی واسط بین گنبدخانه و صحن دارد. از ویژگی این گونه، تقارن نسبت به محور قبله، تقسیمات سه‌گانه عرصه شبستان، هم‌راستا بودن گنبدخانه و ایوان را می‌توان ذکر کرد. زیرگونه بعدی مسجدی است که دارای چهار ایوان نامتقارن در چهار ضلع صحن است که با شبستان‌هایی با یکدیگر مرتبط می‌شوند. ایوان قبله در آن همچون الگوهای پیشین رفیع‌تر و عمق بیشتری دارد. در این الگو گنبدخانه‌ای نیز در مجاورت ایوان شرقی موجود است که هم‌محور با ایوان مجاور خود نیست. گونه نهایی به گونه چهار ایوانی یا الگوی مساجد ایرانی شهرت یافته است. این زیرگونه تکامل‌یافته سلول‌های پیشین خود است. در این الگو چهار ایوان در چهار سمت صحن مقابل یکدیگر قرارگرفته‌اند که با شبستان و رواق به یکدیگر مرتبط می‌شوند. در این مساجد ایوان قبله، صحن را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد که با منتهی شدن به

گنبدخانه بر محور قبله تأکید دارد. می‌توان در این الگو ادعا کرد ایوان قبله دارای سقفی گنبدی شکل است مانند مسجد گوهرشاد که گنبد خانه و ایوان با یکدیگر تلفیق شده‌اند.

جدول ٦: گونه‌شناسی مساجد با صحن مستطیل شکل با کشیدگی در راستای قبله (مأخذ: نگارندگان)

دیاگرام زیر گونه های مساجد با صحن مستطیل شکل با کشیدگی در راستای قبله								
مسجد جامع تابران توس	مسجد سه قلعه	مسجد جامع جاجرم	مسجد جامع قاین مسجدجامع سنگان مسجدجامع سرایان مسجد جامع خلیل آباد مسجدجامع قوچان مسجدجامع سرایان مسجد جامع چشام مسجد ارسک مسجد خسرو	مسجد زین الدین تایبادی مسجد قطب الدین حیدر	مسجد جامع گناباد مسجد جامع نیشابور	مسجد جامع سبزوار	مسجد کبود گنبد	مسجد گوهرشاد
راهنما:	گنبد		شبستان		ایوان			

مساجدی با صحن مستطیل شکل عمود بر راستای قبله

از دیدگاه کالبدی، اولین مسجدی که برپا شد، مسجد پیامبر(ص) بود. صحن این مسجد با کشیدگی عمود برجهت قبله بنا شده بود که در آن صحن نماد پایداری و ثبات بود. در این الگو صحن دارای تشخص و اعتباری دوچندان شده که توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند و به‌عنوان فضایی مستقل ادراک می‌شود. در این الگوی هندسی حیاط همچون جانی است که به‌وسیله کالبد محصور شده است. سلول اولیه این گونه مانند گونه قبلی است توده در عرصه قبله به‌صورت شبستانی نیمه‌باز است و صحن توسط رواق‌ها، حجره و یا شبستان‌هایی دیگر محصور شده است. زیرگونه بعدی، سلول اولیه است به انضمام ایوانی که در شبستان قبله قرار می‌گیرد به‌طوری‌که عرصه شبستان را به سه قسمت تقسیم می‌کند. در گونه بعد شاهد اضافه شدن گنبد خانه به جبهه قبله هستیم، همان‌طور که در جدول شماره ۷ مشاهده می‌شود گنبدخانه و ایوان در یک راستا قرار ندارند. بر این اساس ایوان و گنبدخانه هم‌زمان قابل‌دیدن هستند. الگو بعدی گنبد خانه و ایوان هم‌محور می‌شوند و گنبدخانه ای در پشت ایوان اصلی قرار می‌گیرد در این الگو ایوان دارای محراب است و خود فضایی برای اقامه نماز است. الگو بعد همان الگو پیشین است اما سهم گنبدخانه بیشتر از ایوان است و محراب در گنبدخانه قرار دارد. بر این اساس ایوان فضایی واسط و یا محرابی برای صحن است. در الگوی نهایی این گونه، شبستان و ایوانی قرینه با شبستان و ایوان قبله اضافه می‌شود. عموماً ایوان‌ها از نظر تناسبات مشابه نیستند و ایوان قبله رفیع‌تر و عمق بیشتری دارد. زیرا

سوی قبله و توجه مخاطب را جلب کردن به‌سوی آن، از نیازهای اصلی، در ساخت مساجد است.

جدول ۷: گونه شناسی مساجدی با صحن مستطیل شکل عمود بر راستای قبله (مأخذ: نگارندگان)

دیاگرام زیر گونه های مساجد با صحن مستطیل شکل عمود بر راستای قبله					
مسجد پامنار مسجدکوشک فردوس	مصلی بیرجند مسجد ازبک جد	مسجد جامع مرندیز، مسجد جامع رشتخوار، مسجد گنبد سنگان	مسجد جامع افین	مسجد نو	مسجد رقه
گنبد شبستان ایوان					

مساجدی با صحن مربع

صحن مربع شکل که نمادی از ثبات و پایداری است وقتی در مرکز مسجد قرار می‌گیرد به‌عنوان یک عنصر نظم‌دهنده به مسجد عمل کرده و درواقع قطبی می‌شود که فضای اطراف را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. همچون مسجد ابن طولون در قاهره و مسجد کشمیر هند، مسجد جامع طبس، بجستان، خوسف و مسجد جامع کاشمر و غیره. تکرار شکل مربع در مساجد نمادین بودن آن را تثبیت می‌کند. در این گونه سلول اولیه و بعد از آن همانند گونه‌های پیشین است.

در زیرگونه سوم به بعد شاهد آن هستیم که ایوان در جبهه قبله از سه جانب با شبستان محصور و از یک‌طرف با صحن در ارتباط است. در گونه بعدی گنبد خانه‌ای در راستای ایوان به جبهه قبله اضافه می‌شود که مرتبط و متصل به ایوان است و این جبهه را شاخص‌تر می‌کند. زیرگونه بعدی گونه دوم است به انضمام ایوان و شبستان در جبهه مقابل قبله. البته در این گونه برای تأکید و توجه به جهت قبله ایوان جنوبی رفیع عمیق‌تر از هم نوع خود است.

جدول ۸: گونه‌شناسی مساجدی با صحن مربع (مأخذ: نگارندگان)

دیاگرام زیر گونه های مساجد با صحن مربع شکل				
مسجد جامع خوسف	مسجد جامع فردوس مسجد جامع چشام مسجد میان ده	مسجد جامع کاشمر	مسجد جامع طبس	مسجد بجستان
گنبد شبستان ایوان				

نتیجه‌گیری

تاریخ معماری مسجد تأکیدی آشکارا بر حضور فضای باز در عرصه مسجد و عبادت در آن دارد. ساختار کعبه و مسجدالنبی(ص) نشان می‌دهد فضای باز حاضر در مسجد بیشتر از یک حیاط مرکزی و یا نوع تکامل‌یافته آن می‌باشد و نمی‌توان عدم وجود حیاط در برخی از مساجد را دلیلی بر حذف این فضا از کالبد مسجد دانست. به نظر می‌رسد به‌خصوص در شرایط معاصر، در معماری مسجد به فضای باز توجهی دوباره نمود. نکته حائز اهمیت در مورد فضای باز فضای عبادی بودن آن است که متأسفانه با حذف این فضا از مساجد امروزی کلیه امور عبادی در فضای پوشیده صورت می‌گیرد. با توجه به اهمیت و اصالت فضای باز، صحن و یا حیاط مسجد به‌عنوان عنصر غربال‌گر گونه‌ها انتخاب شد. به‌این‌ترتیب مساجد خراسان به دو گونه مساجد بدون صحن و صحن‌دار تقسیم شده‌اند. گونه اول مساجد بدون صحن است که عناصر اصلی تشکیل‌دهنده این گونه ایوان، شبستان و گنبدخانه است. هسته اولیه این گونه، ایوان متصل و مرتبط با شبستان است. درواقع ایوان و گنبدخانه عناصر معماری ایرانی بودند که در شبستان مسجد نشستند و با گذر زمان بسط و توسعه پیدا کردند. می‌توان از ویژگی‌های این گونه، برون‌گرا بودن و تقسیم‌های سه‌قسمتی آن نام برد. گونه دوم مساجد صحن‌دار هستند که برحسب شکل و تناسبات صحن به سه دسته تقسیم می‌شوند (مساجدی با صحن مستطیل شکل عمود برجهت قبله، مساجدی با صحن مستطیل شکل با کشیدگی در راستای قبله و مساجد با صحن مربع شکل). متنوع‌ترین و پیچیده‌ترین الگوها را می‌توان در زیرگونه مساجد با صحن مستطیل شکل با کشیدگی در راستای قبله مشاهده کرد. از ساده‌ترین و بنیادی‌ترین الگو آن که متشکل از صحن، شبستان نیمه‌باز به انضمام رواق‌هایی تا پیچیده‌ترین الگو آن یعنی مساجد چهار ایوانی که به مساجد ایرانی شهرت یافته‌اند. فارغ از فرم حیاط‌ها، بیشترین تعداد مسجد متعلق به‌گونه‌ای است که در آن ایوان به‌عنوان فضای اصلی در جبهه قبله قرار می‌گیرد، به‌طوری‌که همواره عمق ایوان از عرض آن بزرگ‌تر است. این الگو حتی بعد از پیدایش مساجد چهار ایوانی نیز در این منطقه تداوم یافته است. در این پژوهش به گونه‌شناسی مساجد خراسان بر مبنای فضای باز و نیمه‌باز و همچنین ایوان‌ها و صحن‌های این مساجد برمبنای تناسبات، هندسه، کارکرد و شکل پرداخته شد. از این‌رو با توجه محدودیت‌ها در این پژوهش، پیشنهادهای زیر در راستای انجام تحقیقات بعدی ارائه می‌شود: ۱. با توجه به تنوع هندسی صحن‌ها و ایوان‌ها در خراسان بزرگ و تنوع در اقلیم این خطه پهناور می‌توان بررسی کرد که کدام صحن برای کدام خرده اقلیم از حیث آسایش حرارتی کاربرها مناسب‌تر است. ۲. با توجه به این‌که فرم سقف ایوان و شبستان بر روی آسایش حرارتیِ داخل این فضاها تأثیرمی گذارد، از این‌رو تعیین فرم بهینه برای سقف ایوان و شبستان می‌تواند موضوع مناسبی در تحقیقات آینده محسوب شود. ۳. با توجه به اینکه اصالت عبادت در فضای باز است، از این‌رو برای استفاده از این فضا بایستی تا حد امکان شرایط آسایش برای کاربران در اوقات نماز فراهم شود. مصالح کف و سطوح، جنس آن‌ها به دلیل رفتارهای متفاوت در بازتاب نور خورشید بر سطح رضایتمندی حرارتی تأثیر می‌گذارد؛ از این‌رو نیاز است در تحقیقات آینده این موضوعات مورد توجه قرار گیرد.

جدول ۹: گونه شناسی مساجد خراسان (مأخذ: نگارندگان)

گونه شناسی مساجد خراسان مبتنی بر فضای باز			
مساجد بدون صحن		**مساجد با صحن**	
گونه شناسی فضای نیمه باز مساجد خراسان			
گونه بندی از جهت شکل سقف ایوان	گونه بندی از جهت تناسبات ایوان	گونه بندی کارکردی ایوان ها	گونه بندی ایوان از حیث جانمایی ایوان و گنبدخانه
۱. فضایی سرپوشیده وستون داربا سقفی مسطح **۲. فضایی مسقف با پوشی ازگنبدی**	۱. عرض ایوان بزرگتر از عمق ایوان ۲.عرض ایوان مساوی عمق ایوان	۱. فضای اصلی ۲. فضای فرعی و رابط (واسط بین دو فضای معماری)	۱. قرار گیری ایوان اصلی وگنبدخانه در دو محور ۲. قرار گیری ایوان اصلی وگنبدخانه در یک محور

	۳.عرض ایوان کوچکتر از عمق ایوان	۳. فضای فرعی و رابط (واسط بین دو فضای معماری)	۳. قرار گیری ایوان فرعی وگنبدخانه در یک محور ۴. تلفیق ایوان وگنبدخانه به صورتی یک کل واحد را تشکیل می دهند
گونه شناسی فضای باز مساجد خراسان			
مساجد با صحن مستطیل شکل هم راستای قبله	مساجد با صحن مستطیل شکل عمود بر راستای قبله		مساجد با صحن مربع شکل

فهرست منابع

۱. اکبری، علی (۱۳۹۰). «تحولات معماری ایران در سده‌های نخست معماری اسلامی». ***پایان‌نامه کارشناسی ارشد***. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

۲. پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۸۷). ***معماری اسلامی ایران***. تهران: سروش دانش.

۳. پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۹۲). ***سبک‌شناسی معماری ایرانی***. تهران: سروش.

۴. جودکی عزیزی، اسدالله و همکاران. (۱۳۹۳). «گونه-شناسی الگوی چهارصفه در معماری ایرانی و سیر تحول آن». ***پژوهش‌های معماری اسلامی***. (شماره ۵)، ۸۷-۶۵.

۵. حجت، عیسی، و مهدی ملکی. (۱۳۹۰). «همگرایی سه گونه بنیادین هندسی و پیدایش هندسه مسجد ایرانی». ***هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی***. (شماره ۴) ۱٦-۵.

٦. حمزه نژاد، مهدی، و همکاران. (۱۳۹۱). «اصول طراحی خانه بر اساس الگوی خانه پیامبر(ص)». ***اولین همایش بین‌المللی معماری وشهرسازی اسلامی***. تبریز :دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

۷. خادم‌زاده، محمدحسن وهمکاران. (۱۳۹٦). «گونه شناسی تحلیلی مساجد تاریخی حوزه فرهنگی کردستان». ***مطالعات معماری ایران***. (شماره ۱۱)، ۱۲۴-۱۰۳.

۸. حسینی، سید محسن. (۱۳۹۳). ***مساجد تاریخی خراسان***. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

۹. دیزانی، احسان. (۱۳۹٦). «الگویابی معماری مساجد هند». ***باغ نظر***. (شماره ۴۸)، ۸۲-٦۹.

۱۰. لباف خانیکی، رجبعلی، و فرامرز صابر مقدم. (۱۳۸۵). ***مساجد در خراسان (رضوی، شمالی، جنوبی)***. تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری.

۱۱. رنه دالمانی، هنری. (۱۳۳۵). ***سفرنامه از خراسان تا بختیاری***. ج۱. تهران: امیرکبیر.

۱۲. زرگر، ا کبر، و همکاران. (۱۳۸٦). ***راهنمای معماری مسجد***. تهران: دید.

۱۳. سلمانی، امیر، و همکاران. (۱۳۹۴). «بررسی اهمیت، اولویت و اصالت فضای باز در مسجد». ***پژوهش‌های معماری اسلامی***، (شماره ۹)، ۴٦-۳۵.

۱۴. سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۷۷). ***معماری و شهرسازی ایران به روایت شاهنامه فردوسی***. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

۱۵. سعادت جو، پریا. (۱۳۹۲). «تحلیلی بر سیر تحول مفاهیم و الگوی کالبدی مساجد در دوره‌های چهارگانه معماری ایرانی». ***مطالعات شهرهای ایرانی اسلامی***. (شماره ۱۳)، ۲۹-۱۵.

۱٦. سیرو، ماکسیم. (۱۳۵۹). «تطور مساجد روستایی در اصفهان». ترجمه کرامت الله افسر. ***اثر***. (شماره ۱)، ۷۸-۵۲.

۱۷. ش. س. فتح‌اللهیف. (۱۳۷۵). ***گونه شناسی معماری مساجد در جمهوری آذربایجان***، ترجمه لیلا ربن‌شه، حسین سلطان‌زاده، بهرام قدیری.

۱۸. به‌کوشش حسین سلطان‌زاده. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.

۱۹. نوایی، کامبیز، و کامبیز حاجی قاسمی. (۱۳۹۰). ***خشت و خیال***. شرح معماری اسلامی ایرانی.تهران: سروش.

۲۰. طاهباز، منصوره، و شهناز جلیلیان. (۱۳۹۱). ***اصول طراحی همساز با اقلیم در ایران با رویکرد به معماری مسجد***. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

۲۱. طهوری، نیر. (۱۳۹۱). ***ملکوت آیینه‌ها***. تهران: علمی و فرهنگی.

۲۲. قیومی بیدهندی، مهرداد. (۱۳۹۱). ***درآمدی کتابشناختی بر متون فارسی از منظر تاریخ معماری***. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

۲۳. معماریان، غلامحسین. (۱۳۹۵). ***سیری در مبانی نظری معماری***. تهران: سروش دانش.

۲۴. نقره‌کار، عبدالحمید، و همکاران. (۱۳۹۱). «اصول حاکم بر طراحی مسجد بر اساس الگوی مسجد پیامبر(ص)». ***مجموعه مقالات اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی***. تبریز: دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

۲۵. هیلن برند، رابرت. (۱۳۸۷). ***معماری اسلامی، شکل، کارکرد و معنی***. ترجمه باقر آیت‌الله زاده شیرازی. تهران: روزنه.

۲٦. ورجاوند، پرویز. (۱۳٦٦). **آجرکاری در معماری ایران دوره اسلامی، تزیینات وابسته به معماری ایران دوره اسلامی**. به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران.

27. Deming, M.Elen, Swafeld, Simon. (2011). **Landscape Architectural Research: Inquiry, Strategy, Design**. Hoboken, N.J: Wiley.

Type. (2017). ***Oxford Advanced Learner's Dictionary***. Retrieved from: http://www.oxfordlearnersdictionaries.com/defnition/english/type_1?q=type [Visited: 8/19/2017,13:15]

Ungers, O. M. (1985) . ***Ten Opinions on the Type***. **Casabella**. 509-510 p. 93-95

28. Zarei, M.Ebrahim. (2010). "Typology of Kurdisani Style Mosques in Iran". ***JARS***. (vol 10), 29-42.